

نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها^۱

دکتر فهیمه ملک‌زاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه را به فعل آورد. به همین دلیل، مجموعه عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت هرچه بیشتر این جمعیت توانمند در عرصه‌های اقتصادی اجتماعی کشور باشد از اولویت بیشتری برخوردار است. مقاله حاضر در پی شناخت عوامل مؤثر و موانع اشتغال زنان و تعیین نقش این قشر از جامعه در اقتصاد کشور و سهم ایشان در نیروی کار شاغل می‌باشد. در این مقاله همچنین جایگاه زن و نقش اقتصادی او در جامعه از دیدگاه دین مبین اسلام و نیز تبیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اشتغال زنان ایرانی در ابعاد مختلف اندیشه دینی و سیستم حقوقی موجود بررسی شده است.

واژگان کلیدی

زنان، قانون کار، اشتغال، اقتصاد، جنسیت، مالکیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بدون شک، مهم‌ترین عاملی که آهنگ رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی را تسریع می‌بخشد، «منابع انسانی» آن جامعه است. هر جامعه انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که تحت روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هر یک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کنند و بی‌تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت نیز، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. لذا استراتژی‌های یک جامعه توسعه یافته، لازم است بر مبنای مشارکت هر چه فعال‌تر زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی گردد.

رابرت لین در کتاب *زندگی سیاسی* می‌گوید: «مشارکت زنان در امور سیاسی یا هر نوع وابستگی خارج از خانه، به معنی دزدی از فرصت‌های خانوادگی است». از دیدگاه تاکلوت پاسونز نیز زنان نباید در زندگی شغلی از الگوی مردانه پیروی نمایند و درصدد رقابت مستقیم با مردان طبقه خویش برآیند، زیرا تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری، موجب از هم گسیختگی ساخت خانواده خواهد شد. همچنین هر گونه تغییر در نقش زنان، خطرات زیادی در پی دارد و واگذاری نقش به زنان در امور اقتصادی و سیاسی، سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود.

از سوی دیگر، اندیشه اسلامی در نظام آفرینش، به زن و مرد از دیدگاهی واحد می‌نگرد. هر دو را یکجا به سازندگی و حرکت دادن تمدن اسلامی در عرصه حیات انسان‌ها، فرا می‌خواند. مسئولیت انحراف از مسیر، یا پایداری در راه عقیده را به طور یکسان به دوش هر دو می‌گذارد و بر اساس تکامل، نقش‌ها و مسئولیت‌ها را بین آن دو تقسیم می‌کند (موحی، ۱۳۸۰، ص ۱۱-۱۲).

از طرف دیگر زن به عنوان عضو مؤثر جامعه، می‌تواند نقش پیشگام خود را که در برخی از مسئولیت‌ها متبلور است، ایفا نماید. از جمله این مسئولیت‌ها، ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و حضور خود به جامعه است. با توجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان، الزاماً مساوی با اشتغال زنان نیست، قطعاً بخشی از مشارکت زنان در بحث اشتغال آنان تبلور می‌یابد.

در این راستا، اداره خانواده از سوی زنان و نقش آنها در تغذیه و رشد فرزندان و همچنین تعلیم و تربیت آنان در کنار نقش همسری، فعالیت‌های والایی در جهت اهداف بزرگ اجتماعی محسوب شده، مطابق با طبیعت زندگی می‌باشد. ویل دورانت به درستی این مطلب بیان می‌دارد که در اجتماعات ابتدایی، قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است، نه به دست مردان. در آن هنگام که قرن‌های متوالی، مردان دائماً به شکار اشتغال داشتند زنان در اطراف خیمه زراعت می‌نمودند و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کردند که هر یک مبنای صنایع بزرگ امروزی است. مهم‌ترین مسأله‌ای که برای زنان شاغل امروز وجود دارد، چگونگی ایفای نقش‌های سنتی ناشی از فرهنگ، عرف، شرع و هماهنگی آنها با نقش‌هایی است که مسؤولیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در دنیای امروز ایجاب می‌کند. این در حالی است که در مناسبات اجتماعی و به ویژه در فرآیند توسعه، زنان به عنوان نیمی از آمار عظیم جامعه، اهرم و بازوی توسعه هستند و عامل مهمی در پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند.

در فرهنگ کشور ما، این ذهنیت وجود دارد که اگر شغلی است، مردان در دریافت آن حق تقدم دارند، زیرا نان‌آور خانه هستند؛ حتی اگر فرصت امکان شرکت در یک کنفرانس باشد، قانون محدودیتی را قائل نمی‌شود، ولی عملاً این طور اقدام می‌شود. بر اساس گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل، زنان بهره بسیار کمی را از منافع توسعه داشته‌اند و اگر چه نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند ولی سهم آنها در جمعیت فعال اقتصادی، حدود سی درصد و در برخی کشورها بسیار کمتر از این رقم برآورد می‌شود.

همچنین در کشورهای در حال توسعه، زنان از فرصت‌های شغلی کمتری برخوردار بوده، غالباً در بخش غیررسمی، با دستمزد کمی به کار مشغول می‌شوند و حتی در بخش اشتغال رسمی نیز دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌نمایند. آنان ساعات طولانی‌تری از مردان کار می‌کنند ولی نتیجه کارشان محاسبه نمی‌شود! به طور خلاصه زنان در آمارهای ملی کشورهای در حال توسعه گم شده‌اند.

نرخ مشارکت زنان و سهم اشتغال آنان

نرخ مشارکت زنان و سهم اشتغال آنان در کل کشور بسیار پایین است. اختلاف زیاد نرخ مشارکت به تفکیک جنسیت با متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است که بررسی آنها نیازمند پژوهشی مستقل است. سرمایه‌گذاری آموزشی کمتر برای ارتقای مهارت‌های زنان، نقش‌های جداگانه زنان و تمایل نداشتن مردان به پذیرش بخشی از مسؤلیت کارهای منزل، نامناسب بودن محیط کار، تفاوت در سرمایه انسانی، نگرش منفی به اشتغال زنان در برخی از فعالیت‌ها و وجود قوانین و مقرراتی که هزینه استفاده از نیروی کار زنان را افزایش داده از مهم‌ترین عوامل نرخ پایین مشارکت زنان به شمار می‌روند.

گرچه در سال‌های اخیر، به دلیل افزایش سطح تحصیلات، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش بعد خانوار، کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار (مرد) و نیز ارتقای سطح زندگی، نرخ مشارکت زنان روند افزایشی کند را از ۱۴/۸ به ۱۴/۷ درصد نشان می‌دهد، فشار عرصه نیروی کار سبب افزایش نرخ بیکاری زنان از ۱۱ به ۱۷ درصد شده است، در حالی که این رقم برای مردان از ۸ به ۱۳ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب، عدم تعادل بازار کار افزایش یافته و اختلاف نرخ بیکاری زنان و مردان بیشتر شده است. مهم‌ترین نتایج به دست آمده از تحلیل نابرابری‌های جنسیتی در بازار کار را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- درصد بیکاری زنان جوان از مردان جوان بالاتر است که بیانگر عدم تعادل شدیدتر بازار کار زنان جوان است.
- نرخ مشارکت زنان و مردان روستایی در سال‌های اخیر تقریباً ثابت مانده، ولی نرخ مشارکت زنان و مردان شهری افزایش یافته است.
- نرخ بیکاری زنان شهری به مراتب از مردان بالاتر است و اختلاف آنها در سال‌های اخیر افزایش یافته است.
- نرخ بیکاری مردان روستایی در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته و از نرخ بیکاری زنان روستایی فاصله قابل ملاحظه‌ای گرفته است.

- نرخ بیکاری زنان جوان در مناطق شهری خیلی بیشتر از مردان است و در سال‌های اخیر اختلاف آنها بیشتر شده، در حالی که در مناطق روستایی عکس این نسبت برقرار است (صاqqی و عمادزاده، ۱۳۸۳، ش ۱، ص ۱۴۶-۱۴۵).

- بالاترین نرخ بیکاری زنان در مناطق شهری به استان لرستان (۵۳/۱ درصد) و پایین‌ترین آن به استان یزد (۷/۴ درصد) تعلق داشته است. بالاترین نرخ بیکاری زنان روستایی به استان لرستان (۶۴/۶ درصد) و کم‌ترین آن به استان مرکزی (۰/۸ درصد) اختصاص داشته است.

- درصد مشارکت زنان و مردان روستایی از درصد مشارکت زنان و مردان شهری بیشتر است.

عوامل مؤثر بر نابرابری‌ها در اشتغال

در خصوص اشتغال زنان باید گفت که در ایران نیز تقریباً همانند تمامی کشورهای جهان، موانعی در راه اشتغال زنان وجود دارد. عمده‌ترین موانع موجود در این زمینه عبارتند از:

- ۱- موانع اقتصادی: الف - رکود اقتصادی سال‌های انقلاب و جنگ؛ ب - تأکید بر ویژگی‌ها و نقش‌های غیراقتصادی زنان؛ ج - اجتناب بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در کارهای اشتغال‌زا؛ د - عدم تنوع یا کم تنوعی فرصت‌های شغلی برای زنان؛ ه - بالا بودن هزینه‌های نیروی کار زنان برای کارفرمایان؛ و - صاحب سرمایه نبودن زنان.
- ۲- موانع اجتماعی: الف - بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد؛ ب - برخوردار نبودن زنان از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای؛ ج - تبعیض در نمود زن در بسیاری از کتب آموزشی؛ د - تبعیض و تفاوت در فرآیند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه؛ ه - ازدواج زنان در سنین پایین؛ و - سنگینی وظایف خانه‌داری.
- ۳ - موانع فرهنگی: الف - طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان؛ ب - تأکید بر فعالیت‌های خانه‌داری و انزوای اجتماعی زنان؛ ج - وجود سنت‌ها و باورهای خاص در

خانواده؛ د - وجود فرهنگ مردسالاری؛ ه - تبعیض و طرز نگرش جامعه به زن؛ و - نامناسب بودن برخی از محیط‌های کاری به لحاظ مسائل اخلاقی.

۴ - **موانع سیاسی:** الف - عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی؛ ب - کم بودن شانس زنان در کسب مقامات دولتی؛ ج - ساختار قدرت و نقش‌های سیاسی. گستردگی دامنه این موانع نشان می‌دهد که جز با برنامه‌ریزی منسجم و اصولی و تلاش گسترده در سطح ملی، نمی‌توان حتی در دراز مدت به بهبود وضعیت اشتغال زنان خوشبین بود. با این حال بررسی روند اشتغال زنان و قوانین ناظر بر آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که از نظر قانونی نه تنها منعی برای اشتغال زنان ایجاد نگردیده است؛ بلکه سعی شده است تا زمینه‌های لازم برای اشتغال مناسب و مفید زنان فراهم گردد (طغرانگار، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱-۱۷۲).^۱

تساوی اشتغال زنان و مردان و حقوق کار در اسناد بین‌المللی

مسأله برابری حقوق زن و مرد در امور مربوط به اشتغال همواره مورد بحث و توجه بوده و در اسناد مختلفی از مقررات سازمان بین‌المللی کار^۲ به این امر عنایت لازم مبذول شده است. ماده ۱۱ کنوانسیون نیز به طور مشروح ابعاد این مسأله را مورد بررسی قرار داده و مقرر می‌دارد:

۱- دولت‌های عضو، باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض ضد زنان در زمینه اشتغال انجام دهند، و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان مخصوصاً در موارد زیر برای زنان رعایت می‌شود:

الف - حق کار (اشتغال) به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی؛ ب- حق امکانات شغلی یکسان از جمله اجرای ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل؛ ج- حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقای مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط خدمتی و حق استفاده از دوره‌های آموزشی حرفه‌ای و بازآموزی و شرکت

۱- نیز بنگرید به: محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۲؛ عبدی و گودرزی، ۱۳۷۴، ص ۷.

در دوره‌های آموزشی حرفه‌ای پیشرفته و آموزشی مرحله‌ای؛ د- حق دریافت مزد مساوی، استفاده از مزایا و برخورداری از رفتار مساوی در مشاغل و کارهایی که ارزش یکسان دارند همچون رفتار مساوی در ارزیابی کیفیت کار؛ ه- حق برخورداری از تأمین اجتماعی مخصوصاً در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، دوران ناتوانی و پیری و سایر موارد از کارافتادگی. همچنین حق استفاده از مرخصی استحقاقی (با دریافت حقوق)؛ و- حق برخورداری از مراقبت بهداشتی و امنیت شرایط کار از جمله ایمنی لازم برای دوران بارداری (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۲۵۱-۲۵۲).

۲- به منظور جلوگیری از تبعیض علیه زنان به دلیل ازدواج یا بارداری و تضمین حق مسلم آنان برای کار دولت‌های عضو اقدامات مناسب ذیل را معمول خواهند داشت: الف- ممنوعیت اخراج به خاطر حاملگی یا مرخصی زایمان و اعمال تبعیض در اخراج به لحاظ وضعیت زناشویی با برقراری ضمانت اجرا برای تخلف از این امر؛ ب- دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت حقوق یا مزایای اجتماعی مناسب بدون از دست رفتن شغل، سمت یا مزایای اجتماعی؛ ج- تشویق و حمایت لازم برای ارائه خدمات اجتماعی به نحوی که والدین را قادر سازد تعهدات خانوادگی خود را با مسؤولیت‌های شغلی هماهنگ سازند و در زندگی عمومی شرکت جویند، مخصوصاً از طریق تشویق به تأسیس و توسعه تسهیلات مراقبت از کودکان؛ د- حمایت ویژه از زنان در دوران بارداری در مشاغلی که ثابت شده برای آنها زیان‌آور است.

۳- قوانین حمایتی در رابطه با موضوعات مطروح در این ماده باید متناوباً در پرتو پیشرفت‌های علمی و تکنیکی مورد بازنگری قرار گیرند و در صورت ضرورت، اصلاح، نسخ یا تمدید شوند (همو).

وضعیت اشتغال زنان و چگونگی حضور آنان در بخش‌های مختلف

زنان و مردان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، ارتقای شغلی و درآمد حاصل از کار با شرایط متفاوتی روبه‌رو هستند. برای تحلیل وضعیت نامساعد زنان در بازار کار نظریات مختلفی ارائه شده است که به چند نمونه اشاره شد.

شواهد آماری ایران نیز در جهت تأیید این نظریه‌ها و نشان‌دهنده محدودیت تنوع شغلی و فرصت‌های کمتر ارتقای شغلی برای زنان است. علاوه بر این، درآمد حاصل از کار زنان، حتی در سطوح تحصیلی برابر با مردان، به مراتب کمتر است. تمرکز زنان شاغل ایرانی در بخش‌های آموزش و بهداشت مؤید نظریه‌های جنسیتی است که بر گرایش زنان به جذب در مشاغل زنانه، که انعکاسی از نقش خانگی آنان است، تأکید دارند.

وجود تبعیض‌های شغلی عمومی در بازار کار ایران نیز مهر تأییدی است بر نظریه‌های تجزیه شدن بازار کار، با آنکه مقایسه سابقه کار زنان و مردان این فرض را که ثبات مردان در کار بیشتر از زنان است مردود می‌سازد (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۳، ش ۱، ص ۱۶۶ - ۱۷۶).

مقایسه الگوی اشتغال زنان در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در دو مقطع ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ در کل کشور، حاکی از آن است که در طول این دهه، فراوانی نسبی اشتغال زنان در بخش «کشاورزی» کاهش و در بخش «صنعت» افزایش داشته و در بخش «خدمات» ثابت باقی مانده است.

در اردیبهشت ۱۳۸۰ نیز بر اساس نمونه‌گیری از جمعیت شاغل ۱۰ساله و بیشتر، توزیع زنان در بخش‌های عمده فعالیت بدین ترتیب بوده است: ۳۲/۸ درصد در بخش کشاورزی، ۳۲/۷۸ درصد در بخش صنعت و ۳۳/۴۲ درصد در بخش خدمات. توزیع نسبی شاغلان زن بر حسب گروه‌های عمده فعالیت نشان می‌دهد در جامعه زنان شاغل، بخش صنعت بیشترین تعداد افراد شاغل را به خود اختصاص داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰، جدول بخش‌های عمده فعالیت/ دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵).

نکته قابل توجه در زیرگروه‌های شغلی «متخصصان» این است که تعداد شاغلان علمی، فنی و تخصصی زنان کشور به دلیل افزایش زنان تحصیل کرده در سطوح عالی و علمی رو به فزونی نهاده، ولی تمرکز زنان عمدتاً و به طور اساسی، در زیر بخش‌های «متخصصان آموزشی» یعنی معلمان و مدرسان است. نتایج حاصل از

سرشماری سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که ۸۳ درصد کارکنان شاغل علمی، فنی و تخصصی در زیر بخش متخصصان آموزشی و ۸ درصد در زیر بخش متخصصان علوم زیستی و پزشکی و فقط ۰/۱۵ درصد در زیر بخش متخصصان علوم فیزیک، ریاضی و علوم مهندسی اشتغال داشته‌اند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶-۱۰۸ و ۱۱۵-۱۱۶).

جنسیت و اشتغال زنان در اسلام

زن به مثابه موجودی انسانی که همه خصوصیات انسان بودن در وجود او جمع است، در طول تاریخ بشری همواره از جمله مهمترین مسائل بوده است. در بزرگداشت الهی از انسان، زن و مرد فرقی ندارد و جز در عرصه سپردن مسؤولیت‌ها آنجا که ویژگی‌های ذاتی هر کدام، تفاوتی را اقتضا کرده است، فرقی میان آن دو نیست. در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان تمام جوامع، از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند. با این حال، جامعه عربستان جاهلی، محل ظهور اسلام، در میان جوامع آن دوره وضعیت خاصی داشت، چنانکه آن را «معروف‌ترین نقاط عالم از نظر بدرفتاری با زنان» دانسته‌اند (صدر، ۱۳۲۷، ص ۴۲). در واقع بر اساس نظر برخی از نویسندگان، زنان پیش از اسلام حکم متاع را داشتند و جزء دارایی و ثروت پدر یا شوهر محسوب می‌شدند و زن و دختر پس از مرگ شوهر و پدر مانند باقی ترکه، میان مردها و پسرها تقسیم می‌شدند (آموزگار، ۱۳۵۵، ص ۱۴۷). تأملی در انواع مختلف نکاح که پیش از اسلام، در عربستان رایج بود، تا حدی موقعیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. برخی از نکاح‌های رایج عبارت بودند از «نکاح استبضاع» که در آن هر گاه مردی خواستار فرزند رشیدی می‌شد، زن خود را نزد مردی نجیب می‌فرستاد تا از او باردار شود و فرزند حاصل متعلق و منسوب به مرد بود. «نکاح الضینون» که همسر پدر به پسر وی ارث می‌رسید (مسیکه، بی‌تا، ص ۹۹-۱۰۰).

برای داشتن نگاهی واقع‌بینانه‌تر و روشنتر به وضعیت زنان در اسلام توجه به بستر اجتماعی آن دوره ضروری است؛ البته عدم توجه به دوران پیش از اسلام، حتی

در همان زمان نیز، به چشم می‌خورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷).

اما آنچه دیدگاه واقعی اسلام را به زن نشان می‌دهد، نحوه نگرش اسلام به زن است. در واقع نوع نگرش اسلام به زن، فارغ از مسائلی که به نوعی رنگ زمانی و مکانی به خود می‌گیرند، می‌تواند عمق توجه اسلام را به زنان نشان دهد (طغرانی، ۱۳۸۳، ص ۶۶-۶۷). آنچه از بررسی متون دینی به دست می‌آید، نشانگر این است که اسلام به زن و مرد، از دو بعد مختلف می‌نگرد، که می‌توان از آنها به دو بعد «انسانی» و «بشری» تعبیر نمود (خامنه‌ای، ۱۳۶۸، ص ۴۳). در بعد انسانی، زن و مرد با یکدیگر مساوی هستند و در مقام انسان یعنی «موجود برگزیده‌ای که از سوی خداوند انتخاب و به تعبیر قرآن اصطفا شده است و مانند هر برگزیده دیگری از طرف خداوند رسالت و در پیشگاه او مسؤولیت دارد» (مطهری، ۱۳۷۲، ش ۲، ص ۲۸۳).

اما فارغ از این بعد انسانی، زن و مرد از پاره‌ای جهات تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها در جایگاه اجتماعی و حقوق آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. این تفاوت‌ها را به سه دسته کلی می‌توان تقسیم نمود:

۱- تفاوت‌های طبیعی که در واقع تفاوت‌های زیستی و روانی هستند.
۲- تفاوت‌های اجتماعی که محصول جامعه انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان است.

۳- تفاوت در پاره‌ای از احکام دینی که ناشی از وحی می‌باشد (فنائی/اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۱۴). در حقیقت، ضرورت تقسیم کار، تقسیم مسؤولیت و تنظیم کارکرد طبیعی زن و مرد و رعایت تخصص و وظایف غیرمشترک آنان، موجب چنین تفاوت‌هایی شده است (ممو). به هر حال آنچه مسلم است، اسلام حقوق یک‌نواختی را برای زن و مرد در نظر نگرفته است، هر چند که این امر برای پرهیز از تشابه حقوق زنان و مردان بوده است و نه مخالفت با تساوی حقوق آنان (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۲).

مسلمانان گویی این رسالت گرانبار را نادیده انگاشتند و آن را مهجور گذاشتند و از حاکمیت بخشیدن به تعالیم آن در زوایای زندگی خویش تن زدند و در نتیجه مسأله زن مجدداً رنگ و بوی قرون و اعصار پیشین به خود گرفت و حقوق و شایستگی او

از یادها رفت و فراتر از آن، مخلوقی ناقص و ناتوان به نظر آمد که جز در صورت اجرای اوامر «مرد»، استحقاق «وجود» نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۲).

در حالی که خداوند متعال زن و مرد را آفرید که به دست همدیگر شور و نشاط را در رگ‌های زندگی جاری کنند بنابراین می‌توان گفت «مرد» در حقیقت کیان مستقلی، جدا از زن ندارد و در درون او «زن» نهفته است همان طور که زن در واقع، موجودی مستقل نیست و «مرد» در وجود او حضور دارد لیکن عمل درست بر موازین اسلامی، نیازمند تحول و ایجاد وضعیت اجتماعی مطلوبی است که افراد در آن وضعیت، مشتاقانه به موازین شرعی پایبند باشند (فضل الله، ۱۳۷۸، ص ۴۳).

عوامل مؤثر بر نابرابری‌ها در اشتغال

۱- عوامل کلیشه‌ای، جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی

همه زنان، همسر و مادر نمی‌باشند و برخی از آنان نیز که چنین جایگاهی دارند، به افرادی دسترسی دارند که مسئولیت‌های خانگی آنها را به عهده بگیرند؛ اما اینان هم به دلیل وجود افکار کلیشه‌ای در مورد زنان، تحت تأثیر مغایرت‌ها قرار دارند.

افکار کلیشه‌ای در مورد زنان، دسترسی به کار را برای آنها محدود می‌سازد. این تصور که دختران صرفاً ازدواج خواهند کرد و به بازار کار نخواهند پیوست، اغلب سبب می‌شود که دختران از سطوح آموزشی پایین‌تری برخوردار شوند و همچنین باعث می‌شود که آموزش آنها هدفمند، و برای کسب حرفه‌ای خاص نباشد. در نتیجه زنان در بسیاری از کشورها، به طور متوسط کمتر از مردان، واجد شرایط حرفه‌ای خاص می‌باشد. در نتیجه زنان در بسیاری از کشورها، به طور متوسط کمتر از مردان، واجد شرایط کار هستند و از این رو فرصت‌های شغلی آنها محدودتر است. همچنین این تمایل وجود دارد که زنان در صنایع خاصی که متقاضی نیروی کار زن هستند، متمرکز شوند. این تقاضا مبنی بر این فرضیه است که زنان در کارهای تکراری و جزئی‌تر، مهارت بیشتری دارند و قابل کنترل هستند. قبول چنین کاری از طرف زنان نیز احتمالاً به دلیل نبودن آلترناتیوهای دیگر برای آنهاست.

افکار کلیشه‌ای اغلب سبب می‌شود که زنان نسبت به مردان پاداش کمتری از کار دریافت کنند. ساختار دستمزدها که نرخ‌های پرداخت کمتری را برای زنان در نظر می‌گیرد، با این قضاوت ارزشی همراه است که زنان نان‌آوران اصلی نمی‌باشند و بسیاری از زنان، صرفاً منابع حمایتی برای خانواده خود محسوب می‌شوند. همچنین، بسیاری از کارفرمایان اعتقاد دارند که غیبت زنان از محیط کار، به دلیل مسؤلیت آنان در خانواده، بیش از مردان است. اگرچه بیشتر مطالعات تجربی در این باره، اختلاف معنی‌داری را میان غیبت مردان و زنان نشان نمی‌دهد.

زنان، اغلب در برنامه‌های آموزشی یا ارتقای شغلی، نادیده گرفته می‌شوند، با این فرض که برنامه‌ها با وظایف خانوادگی آنان مغایرت دارد. بدون آنکه در این پیش‌فرض، موقعیت واقعی زن به عنوان یک فرد در نظر گرفته شود. برخی از کارفرمایان از استخدام زنان متأهل امتناع می‌ورزند، زیرا آنان هزینه‌های بالقوه ترک کار در دوران بارداری را مدنظر قرار می‌دهند (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۳۶-۳۸). مادام که زنان و مردان وظایف و نقش‌های متفاوتی را در جامعه ایفا می‌کنند، سیاست اشتغال زنان نیاز به بررسی موضوعات ویژه جنسیتی دارد که بر کار کردن زنان اثر می‌گذارد (همو).

۲- چگونگی فضای فرهنگی حاکم بر اشتغال زنان

تجربیات چند دهه گذشته در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، ثابت کرده است که در فرآیند توسعه، آمادگی فضای فرهنگی نه تنها برای پذیرش تغییرات درون‌زا بلکه در همه بخش‌های اجتماعی و اقتصادی اهمیت خاص دارد. شاید در برخی از تغییرات بسیار سطحی و کوتاه‌مدت، بتوان از عوامل فرهنگی چشم‌پوشی نمود، ولی در چشم‌انداز بلندمدت، تحولات ریشه‌ای و همه‌جانبه در پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان و در فضای فرهنگی حاکم بر اشتغال زنان، نقشی بسیار اساسی و زیربنایی دارد. بررسی‌های انجام شده در مورد کتاب‌های درسی دوران ابتدایی با روش تحلیل محتوا، نشان می‌دهد که بسیاری از اسامی این کتاب‌ها (چه قبل و چه بعد از انقلاب)،

مردانه است و هر چه از آموزش کلاس اول ابتدایی به پنجم می‌رویم، از سهم اساسی زنان کاسته و بر سهم مردان افزوده می‌شود. در مورد فعالیت‌های معرفی شده نیز اغلب این فعالیت‌ها مربوط به مردان بوده و یا مشاغل مردان خارج از خانه می‌باشد و زنان عمدتاً در حال انجام کارهای منزل هستند.

نظرسنجی‌های انجام شده توسط مرکز سنجش برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴ از مردم تهران در خصوص اشتغال زنان نشان می‌دهد که مفاهیم توزیع شده در دوران کودکی و کتاب‌های درسی، کاملاً نهادی شده و پاس‌خگویان در میان الگوی انتظارات در جامعه مهم‌ترین وظیفه زن را خانه‌داری دانسته و معتقد بوده‌اند که زنان به دلیل ویژگی‌های خاص و مشکلاتی که دارند، مثلاً برای منصب وزارت مناسب نیستند که در این بین، مردان پیش از زنان مخالف با وزیر شدن زنان هستند. لذا بر حسب این تفکر و انتظار از زن، زنان به سوی مشاغلی گرایش پیدا می‌کنند که به افق انتظار از آنها، خدش‌های وارد نکند. شغلی که علاوه بر کسب درآمد برای خانواده، این امکان را فراهم آورد که بتوانند انتظارات جامعه از آنان را به عنوان یک «زن خانه‌دار خوب» برآورده نماید (موحدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸-۱۷).

قوانین اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان

خوشبختانه در ایران با وجود موانعی که بر سر راه مشارکت زنان وجود دارد، زمینه‌های مساعد قانونی و اقتصادی تا حدودی فراهم است. مثلاً: به استناد ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ شمسی «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی می‌خواهد بکند». بنابراین زنان ایران طبق قانون مسلط بر اموال شخصی خود بوده و همین اختیار به آنها نوید می‌دهد تا به انگیزه مال‌اندوزی راهی بازار کار شده و کسب درآمد کنند.

به استناد ماده ۱۱۱۷ ق.م «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». اما ضمناً مفهوم مخالف این

ماده قانونی چنین است: «شوهر نمی‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافای مصالح خانوادگی نیست منع کند». محاکم ایران می‌توانند به نفع زنانی که در واحدهای تولیدی و خدماتی کشور به کار اشتغال دارند، حتی در صورت اعلام مخالفت شوهر انشاء رأی کنند و قانون را فعلاً و تا پیش از اصلاح در جهت مشارکت و توسعه تفسیر کنند. زنان هر چند در شعارهای اخلاقی مبتنی بر حفظ کیان خانواده عملاً تحت بهانه‌های مختلف از کارورزی در مراکز تولیدی و خدماتی به شدت منع می‌شوند، اما روند تحولات اقتصادی به گونه‌ای است که به تدریج از شعارهای ضد اشتغال زنان کاسته شده، بر شعارهای حمایت‌کننده از مشارکت و اشتغال زنان و تشویق‌کننده در جهت تنظیم خانواده افزوده می‌شود. تصویب قوانین و مقررات جدید برای کنترل جمعیت، فرصت‌های تازه‌ای را در اختیار زنان می‌گذارد تا زاد و ولد کنترل بشود که این امر به نفع اشتغال زنان منجر می‌شود.

به استناد ماده ۱۱۰۶ ق.م. «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است» همچنین به حکم سایر قوانین، نفقه فرزندان نیز تکلیف پدر است (کار، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳-۲۰۰). به نظر می‌رسد مفاد این ماده قانونی، انگیزه‌های اشتغال را در زنان شوهردار ایرانی کاهش می‌دهد، اما افزایش نرخ تورم در سال‌های بعد از انقلاب چنان بوده و هست که به ندرت یک نان‌آور می‌تواند چرخ‌های معیشت یک خانواده را بچرخاند و هزینه‌های سرسام آور مسکن، لباس، غذا، خدمات و... را تأمین نماید. لذا در ایران امروز، تورم اقتصادی، از لحاظ اشتغال زنان تبدیل به یک عامل مثبت و سازنده شده است. پدران و شوهران زیر بار گرانی روزافزون به اشتغال دختران و زنان خود رغبت نشان می‌دهند تا بلکه به کمک درآمد دختر یا همسر هزینه‌های ضروری خانواده بهتر تأمین بشود. به سخن دیگر، نیاز خانواده به دو بازوی نان‌آور چنان جدی و حیاتی شده است که سنت‌های ضد اشتغال زنان زیر سلطه روزافزون احتیاجات فزاینده خانواده به «پول» بی‌رمق شده و جای خود را به ضرورت اشتغال زنان سپرده است. مردان شهرنشین زیر فشار تورم اقتصادی قادر نیستند با وجود حکم صریح ماده ۱۱۰۶ ق.م. و سایر قوانین مرتبط با آن به تنهایی تأمین‌کننده هزینه زن و فرزندان خود باشند.

تقریباً در بیشتر خانواده‌های متوسط شهرنشین ایران امروز یک نان‌آور به هیچ وجه نمی‌تواند چند مصرف‌کننده را تغذیه کند. نه تنها شعارهای ضد اشتغال زنان زیر نرخ تورم اقتصادی رنگ باخته است، بلکه تبلیغات دولتی نیز که توسعه را بدون مشارکت زنان غیرممکن اعلام می‌کند و بر اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده تأکید می‌ورزد، خود به خود شعارهای ضد اشتغال زنان را سرکوب کرده و از تأثیر و نفوذ شعارهای ضد اشتغال بر ذهنیت خانواده‌های سنتی افراط‌گرا کاسته است. شرایط جدید به پژوهشگران امکان می‌دهد تا از دیدگاه علمی و واقع‌بینانه که بر ضرورت‌های اقتصادی مانند کنترل جمعیت و تحقق توسعه استوار است، اشتغال زنان را توجیه و تحلیل کنند.

زمینه‌های مساعد برای کار زنان در قانون اساسی

دیباچه قانون اساسی با نگرشی به قداست خانواده و توجه ویژه به زنان، اضافه می‌کند که زن «ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ، و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود» اصل بیست و یکم قانون اساسی، در بیان تکلیف دولت در تضمین حقوق زن در تمام جهات، با رعایت موازین اسلامی احکام ویژه‌ای را در ارتباط با زن به شرح زیر صادر نموده است:

۱- «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او».

۲- «حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند...» (کلر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳-۲۰۰).

همچنین در اصل بیستم همه افراد ملت اعم از زن و مرد را یکسان زیر چتر حمایت قانون قرار داده تا از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با موازین اسلامی برخوردار باشند. از مجموع این اصول می‌توان دریافت که برای زنان

در زمینه کار و اشتغال حقوق خاصی در جهت تأمین رفاه فردی و خانوادگی آنها پذیرفته شده است. همچنان که در دیباچه قانون اساسی اشاره شده است «هم‌رزمی زنان و مردان در میدان فعال زندگی مستلزم حمایت‌های لازم اجتماعی در تمام امور و من جمله امر کار و اشتغال می‌باشد تا بتوان این هم‌رزمی را از قوه به فعل درآورد» (کار، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱).

یافته‌های پژوهش

با توجه به این که مهم‌ترین عامل سرعت رشد و توسعه اقتصادی جامعه منابع انسانی آن جامعه است و هر جامعه نیز متشکل از زنان و مردان فعال است که تحت روابط متقابل اجتماعی تأثیر مستقیمی در اقتصاد و توسعه آن جامعه دارند. لذا استراتژیهای یک جامعه توسعه یافته لازم است بر مبنای مشارکت هر چه بیشتر و فعال‌تر زنان - که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند - در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی گردد.

زنان به عنوان عضو مؤثری از جامعه، می‌توانند نقش پیشگام خود را در مسؤولیت‌های مختلف متبلور سازند. از جمله این مسؤولیت‌ها ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و ... است. که این همه نیازمند آن است که هزینه‌ها و آموزش‌های لازم برای زنان در نظر گرفته شود. با توجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان، الزاماً اشتغال زنان نیست، گرچه قطعاً بخشی از مشارکت زنان در بخش اشتغال آنان تبلور می‌یابد، لیکن در این راستا اداره امور خانه و خانواده از سوی زنان و نقش آنها در تغذیه و رشد فرزندان و همچنین تعلیم و تربیت آنها مسؤولیت‌های متعددی است که زنان غالباً به عهده دارند. همچنین است انواع هنرهای خانگی که هر یک مبنای صنایع بزرگ امروز به شمار می‌رود.

در طول تاریخ می‌بینیم که زنان همیشه فعال بوده‌اند ولی در فرهنگ، عرف و مردم ما این ذهنیت تا حدود زیادی وجود دارد که اگر شغلی وجود دارد باید برای مردان

باشد. چرا که اقتصاد خانواده به عهده آنهاست و یا هر جا فرصت مناسبی جهت مشارکت باشد، مردان حق تقدم دارند. شاید علت این که زنان نقش کمتری در توسعه کشور دارند، همین طرز فکر و عمل باشد؛ زیرا زنان در فرصت‌های پیش آمده در مرحله دوم قرار می‌گیرند و یا حتی گاهی به حساب نمی‌آیند.

نتیجه دیگر آن که زنان و مردان در نزد خداوند مساوی هستند و از متون اسلامی به دست می‌آید که زنان در بعد انسانی با مردان مساوی هستند و در مقام انسان (خلیفه الله) مانند هر برگزیده دیگر از طرف خداوند رسالت و مسؤلیت دارند و هیچ امتیاز خاصی بر یکدیگر ندارند جز در تقوی. در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان در تمام جوامع از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و از ابتدایی‌ترین حقوق نیز محروم بودند، با تأملی در نوع زندگی، نکاح و... در پیش از اسلام تا حدود زیادی موفقیت اجتماعی زنان در دوره اسلامی روشن می‌شود. اما نابرابری در تاریخ همچنان ادامه دارد لیکن با روش‌های متفاوت و مدرن‌تری. چنان که امروزه نرخ مشارکت زنان در جهان به نسبت مردان خیلی پایین‌تر است و این امر با متغیرهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است که از این عوامل می‌توان به عنوان عمده‌ترین موانع اشتغال زنان نام برد. زنان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، ارتقای شغلی و درآمد حاصل از کار با شرایط متفاوتی روبرو هستند اما آمارها نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر نرخ مشارکت زنان افزایش یافته است. با توجه به این که در قانون ما مخصوصاً در قانون اساسی قداست خانواده و توجه ویژه به امور زنان و ارج گذاشتن به وظیفه خطیر و پر ارج مادری و فعالیت در میدان‌های فعال جامعه و... در نظر گرفته شده، امید می‌رود که در آینده با ارتقاء فرهنگی جامعه وضعیت اشتغال زنان بهبود یابد.

منابع و مأخذ

🔖 القرآن الکریم

- 🔖 آموزگار، حبیب الله، *مقام زن در آفرینش*، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۵
- 🔖 باقری، شهلا، *زن، دین، جامعه: (تحلیل جامعه‌شناختی از مسائل زنان و خانواده)*، تهران، انتشارات پیام محراب، ۱۳۸۶
- 🔖 جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جمال و جلال*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴
- 🔖 خامنه‌ای، سید محمد، *مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر*، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸
- 🔖 دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، *نقش زنان در توسعه تهران*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶
- 🔖 صادقی، مسعود و عمارزاده، مصطفی، «*تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان*»، تهران، نشریه پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲، بهار ۱۳۸۳
- 🔖 صدر، حسن، *حقوق زن در اسلام و اروپا*، تهران، بنیان علوم اسلامی، ۱۳۲۷
- 🔖 طغرانگار، حسن، *حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳
- 🔖 فضل الله، سید محمد حسین، *نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی*، تهران، انتشارات میزان - دادگستر، ۱۳۷۸
- 🔖 فنایی اشکوری، محمد، *زن در اندیشه اسلامی*، بی‌جا، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷
- 🔖 کار، مهرانگیز، *زنان در بازار کار ایران*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹

- ☞ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، سخنرانی‌ها و گزارش‌های نخستین
 سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳
- ☞ محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، تهران، انتشارات دیبا، چاپ هفتم،
 ۱۳۷۹
- ☞ مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن و طرح
 آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور از ۱۳۸۳-۱۳۳۵
- ☞ مسیکه، فتنه، حقوق المرأة بین الشرع الاسلامی و الشرع العالمیه لحقوق
 الانسان، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- ☞ مطهری، مرتضی، حقوق زن در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹
- ☞ همو، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲
- ☞ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب اسلامی، چاپ بیست
 و پنجم، ۱۳۷۶
- ☞ موحدی، بهنان، زنان توسعه و تعدد نقش‌ها، تهران، انتشارات برگ زیتون،
 ۱۳۸۰
- ☞ مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی
 ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴
- ☞ نوروزی، لادن، تأثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار
 زنان، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، چاپ اول
- ☞ هاشمی، مریم، نقش اقتصادی اجتماعی زنان در تولید قالی، پایان نامه
 کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱